

اول ماه می، روز جهانی کارگر، روز انسانیت گرامی باد!

مشترک

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

اول ماه می - یازده اردیبهشت - به نام تمامی کارگران و انسانهای زحمتکش خوانده شده است، از آنجا که صد و چند سال پیش به دادخواهی بشریت تحت ستم و استثمار سرمایه؛ پیشروان تغییر وضعیت همه زحمتکشان به میدان آمدند، این روز، از آن کارگران و همه زحمتکشانی است که خواهان دنیایی دیگرند و برای تقسیم عادلانه ی ثروت و تولیدات جمعی بشریت، که به جیب ثروتمندانی می رود که نقش مؤثری در تولید آن ندارند، مبارزه می کنند. این روز متعلق به همه انسانهاست و از آن روز جهانی کارگر خوانده شده، که کارگران، آرمان دیرینه برابری و سعادت بشریت را نمایندگی میکنند و البته که راه حل نهایی و انسانی تغییرورهایی از این شرایط را نیز در دست دارند. برای ما مدافعان حقوق کودک و فعالان جنبش "لغو کار کودک" در ایران؛ این روز، فصل مشترکی برای مطالبات و خواسته هایمان است. چرا که **کار کودکان** حاصل مناسبات و قوانین حاکم بر جامعه سرمایه داری است. مناسباتی که اوضاع غیر انسانی را برای کارگران نیز ایجاد کرده است. پایان دادن به این مناسبات و قوانین و بی حقوقی مطلق، در توان کارگران و متحدین آن، از جمله فعالان جنبش "لغو کار کودک" است. علیرغم تفاوت هایی در تاکتیک و برنامه جنبش اجتماعی "لغو کار کودک" و جنبش کارگری، افق و استراتژی این دو جنبش و نیز دیگر جنبش های اجتماعی از جمله زنان و دانشجویان به هم پیوند خورده و تغییر شرایط و تحول بنیادی در جامعه، نقطه اشتراک و تلاقی این جنبش هاست و لزوم اتحاد همیشگی و حمایت لحظه به لحظه ی این جنبش ها از یکدیگر را به یک اصل مسلم و غیر قابل چشم پوشی بدل می سازد.

کار، انتخاب آگاهانه کودک کار نیست. کار کودکان؛ محصول اجباریست که به واسطه بحران، بی حقوقی، بیکاری، گرسنگی، فقر، مهاجرت، تن فروشی، استثمار و بهره کشی و در یک کلام مناسبات سرمایه داری، به کودکان، خانواده ها و اکثریت جامعه تحمیل میشود. حال آنکه قدرت تولید به واسطه پیشرفت و سرعت حیرت انگیز تکنولوژی، ابزار تولید و تقسیم بی حد و حصر کار؛ ثروتی عظیم را در جامعه بوجود آورده که نسبت به دوران های گذشته، بی سابقه است و میبایست دست کم، سهم به سزایی از این ثروتها به تولید کنندگان اصلی آن یعنی کارگران تعلق بگیرد.

نیروی کار کودک، بدلیل ارزان، خاموش و سهل الوصول بودن صاحب آن- یعنی کودکان کار- و اینکه این کودکان قادر به دفاع از خود نیستند (بدانگونه که دیگر اقشار و طبقات از آن برخوردارند، مانند شورا، سندیکا، اتحادیه و ...)، برای سرمایه داران و اجزاء وابسته شان سرشار از سود و ثروت است. نبود اهرمهای حمایت حقوقی و قانونی و تحمیل فشار و انفعال باقراردادن مانع بر سر راه فعالیت های اجتماعی- سازمانی طبقه ی کارگر، برای مقابله با بهره کشی و سوء استفاده های مختلف مادی و جنسیتی و ... از کودکان؛ یکی از دلایلی است که موجبات استثمار این بخش از جامعه را برای صاحبان پول و قدرت میسر می سازد.

سود حاصل از کار کودکان چنان با ارزش است که به خاطر آن قراردادهای موقت و سفید امضاء، عدم پرداخت به موقع دستمزدها، اخراج و بیکارسازیهای گسترده، سرکوب، بازداشت و زندان را به کارگران و زحمتکشانشان تحمیل می کنند تا در سایه آن روند باز تولید این نیروی کار خاموش و ارزان نیز متوقف نشود. تعدد و مقدار این نیروی کار بی دفاع چنان مهم است که با آمارهای دروغین، همه ساله با خیمه شب بازیهای مختلف توسط کاریکاتور سازمانها و بنگاههای حقوقی و اجتماعی؛ با توسل و استناد به توافقنامه ها، مقاوله نامه ها و تصویب پیمان نامه های رنگارنگ، از جمله " پیمان نامه حقوق کودک"،

در صدد مخدوش کردن آمار حقیقی این کودکان و پنهان کردن عمق فاجعه اند. طرح اخیری که به نام " برخورد با متکدیان و کودکان کار در خیابان" شاهد آن هستیم، محصول همین آمار سازی ها توسط بخشی از دستگاه دولتی و عده ای به نام سازمان غیردولتی و به ظاهر مدافع کودکان و کودکان کار است.

برای مدافعان کودکان و فعالان این "جنبش" پیش شرط **لغو کار کودک**، تحقق اصل تقدم کودکان بر هر مصلحت سیاسی، اقتصادی، ملی، مذهبی، اجتماعی و... است. اعتقاد ما بر این است که؛ **همین امروز** و با رعایت این اصل می توان و باید به کار کودکان پایان داد. کودکان برای برخورداری از فرصت بازی، تفریح، تحصیل، بهداشت و آموزش و تغذیه مناسب، نمی توانند منتظر بمانند، آنان **همین امروز** باید از تمامی امکانات دنیای متمدن بهره مند شوند و این تلاش و همت فعالان همه ی جنبش ها را می طلبد.

خواسته های ذیل حاصل تجارب عملی مدافعان حقوق کودک و فعالان "جنبش لغو کار کودک" و الزامات زندگی این کودکان است و تلاش شده است تا از نگاه آنان به موضوع پرداخته شود. ما فعالان جنبش لغو کار کودک خواستار موارد زیر هستیم:

۱- ممنوعیت، حذف و اعلام جرم علیه همه اشکال کار و هرگونه بهره کشی از کودکان و تدوین قوانین و به کارگیری راهکارهای عملی پیش گیری از آن.

۲- **کار کودک** به مجموعه فعالیتها و روابطی گفته میشود که کودک را از فرصت کودکی محروم کرده و مانع تحصیل، رشد جسمی، شخصیتی و موقعیت اجتماعی کودک شده و برای حال و آینده آنان خطرناک و آسیب زا است. ما ضمن مخالفت جدی با دیدگاهی که کار کودکان را ابزاری برای رشد و تعالی شخصیت آنان معرفی میکند، خواهان برخورد مؤثر و همه سویه با آن هستیم.

۳- تأمین اجتماعی و تخصیص بیمه های فراگیر کارگران و زحمتکشانشان، فارغ از ملیت، مذهب، نژاد، جنس و پرداخت بیمه بیکاری بدون قید و شرط به خانواده ها، از پیش شرط های لغو کار کودکان است.

۴- برخورداری تمامی کودکان از آموزش اجباری و رایگان و تخصیص و تأمین امکانات آموزشی توسط دولت ها.

۵- کودک مایملک کسی نیست. ممنوعیت و اعلام جرم علیه تمامی اشکال شکنجه و آزار کودکان، به هر شکل و بهانه (تنبیه، تربیت، بازداشت های خشونت آمیز در خیابان، زندانی کردن و سوءاستفاده های مختلف و...) و همچنین توقف اعدام کودکان توسط هر شخص و نهادی و ارائه راهکارهای حقوقی و اجتماعی جهت مقابله با آن.

۶- سن کار در ایران و پاره ای از نقاط دنیا (زیر ۱۵ سال) مغایر با دستاوردهای علمی و اجتماعی بشریت امروز است.

ما خواهان برسمیت شناختن سن کودکی و افزایش سن کار (بالای ۱۸ سال) هستیم.

۷- ما خواهان برخورداری تمامی کودکان مهاجر، مهاجران جنگی، به ویژه مهاجران افغانی، صرف نظر از ملیت، نژاد و مذهبشان، از تمامی امکانات مادی و حقوق اجتماعی و سیاسی هستیم.

۸- هویت نخستین حق زندگی هر انسان است. ما خواهان برسمیت شناختن حقوق انسانی و شهروندی برای تمامی مهاجرین و بویژه کودکان مهاجر و اقدام عاجل جهت دریافت اوراق و مدارک شناسائی از قبیل شناسنامه کارت شناسائی و ... هستیم.

۹- پورنوگرافی و هرگونه بهره‌کشی جنسی، از بدترین مصادیق آزار و سوء استفاده از کودکان است. ما خواهان پایان دادن به این بردگی جنسی و تن‌فروشی، که ستم و تعرض مسلمی به جسم، روحیه و حقوق کودکان است، هستیم. همچنین ما خواهان مقابله با شغل قلمداد کردن و موجه جلوه دادن این برده‌داری نوین که خطای آشکار و تعمدی برخی سازمان‌های فرمایشی بین‌المللی است، هستیم.

۱۰- از آنجاییکه کودکان نیروی کار ارزانی برای سوء استفاده کارفرمایان هستند، وجود قوانینی همچون عدم شمول کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر در حق بیمه قانون کار و قوانینی این چنین باعث افزایش روز افزون استثمرت کودکان می‌شود. ما خواهان شمول تمامی کارگران از حق بیمه بوده و به جد با کار کودکان در این کارگاه‌های مخوف مخالفت می‌کنیم. ما همچنین خواهان تغییر قوانین (بویژه در حوزه قضائی برای کودکان درگیر با آن و سیاسی برای کودکان مهاجر) به سود تأمین شرایط بقا، رشد مشارکت و حمایت از کودکان و تعیین و تأکید ضمانت‌های اجرائی آن هستیم.

۱۱- تبعیض‌های جنسیتی مانعی جدی برای دسترسی برابر و یکسان کودکان به امکانات و حقوق اجتماعی خویش است. ما خواهان برسمیت شناختن این حق و اعمال آن در همه عرصه‌های زندگی کودکان هستیم.

۱۲- نقش قوانین و نهادهای بین‌المللی در ارتباط با حقوق کودکان؛ فرمایشی، تعدیل‌کننده و آسیب‌زا به حال کودکان بوده است. ما خواهان نقد و برخورد جدی با این نهادها و قوانین مصوب آنان، برای دستیابی به یک مرجع حقیقی مدافع حقوق کودکان هستیم.

۱۳- وجود سازمان‌های موازی و هم‌عرض متولی امر؛ یکی از موانع جدی بر سر راه مدافعان کودکان و فعالان "جنبش لغو کار کودک" در ایران است. ما بر این باوریم مادامیکه مسئولان اصلی رسیدگی به امور کودکان کار در ایران مشخص نشوند، هیچ نهاد دولتی مسئولیت برخوردهای نادرست و غیرانسانی با این کودکان را بر عهده نخواهد گرفت. ما خواهان تعیین سازمانی مشخص از سوی دولت برای پذیرش مسئولیت و پاسخ‌گویی در مورد بی‌حقوقی و آسیب‌های وارده به کودکان هستیم.

۱۵- یکی از عواملی اساسی که موجب تولید و بازتولید پدیده‌ی "کار کودک" می‌شود، معضلاتی است که در پیش روی کارگران قرار داشته و باعث تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی برای آنان و خانواده‌هایشان می‌شود. از این رو ما خواهان تحقق مطالبات اساسی کارگران ایران هستیم. از جمله ما خواستار آزادی کارگران زندانی، توقف فوری پیگردهای قضایی علیه کارگران، آزادی کارگران در ایجاد تشکل‌های مستقل خود، برچیده شدن قراردادهای سفید امضا، توقف اخراج و بیکارسازی کارگران، آزادی کارگران در برپایی اعتصاب و تجمع،

پرداخت فوری حقوق های معوقه، پایان فشارهای اقتصادی- اجتماعی مضاعف بر کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغانی هستیم.

۱۶- از آنجا که مطالبات جنبش مدافعان لغو کار کودک از سایر جنبش ها همچون جنبش کارگری و جنبش زنان جدا نبوده بلکه پیوند دیرینه دارد، ما فعالان "جنبش لغو کار کودک" از مطالبات و مبارزات دیگر جنبش ها، از جمله کارگران، زنان، معلمان، پرستاران، دانشجویان و ... دفاع کرده و خواسته های آنان را مورد حمایت قرار می دهیم.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان

جمعیت تلاش برای جهانی شایسته کودکان

جمعی از فعالان لغو کار کودک (عضو در تشکل های مختلف در این عرصه)

اول ماه می ۲۰۰۹ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸)